

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

راهنمای کمک درسی

دانش های زبانی-ادبی ادبیات فارسی

و تاریخ ادبیات

پایه نهم

طراح: اشرف پیروزان

منطقه: سردشت-دزفول

سال: ۹۵-۱۳۹۴

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱	فصل اوّل.....
۱	درس اوّل.....
۳	درس دوم.....
۵	درس سوم.....
۷	درس چهارم.....
۸	درس پنجم: (درس آزاد به عهده دانش آموز).....
۹	درس ششم.....
۱۱	درس هفتم.....
۱۲	درس هشتم.....
۱۳	درس نهم.....
۱۵	درس دهم.....
۱۶	درس یازدهم.....
۱۸	درس دوازدهم.....
۲۰	درس سیزدهم.....
۲۱	درس چهاردهم.....
۲۳	درس پانزدهم: (درس آزاد ، به عهده دانش آموز).....
۲۴	درس شانزدهم.....
۲۶	درس هفدهم.....
۲۷	فصل دوم.....
۳۵	پرسش پاسخهای نمونه سؤالات.....
۴۲	جواب نمونه سؤالات کلی.....
۲۵	خواندن انواع لحن در ادبیات.....

فصل اول

سعدی شیرازی: مشرف الدین مصلح بن عبدا... شاعر قرن هفتم است. در سال ۶۵۵ بوستان رابه نظم در آورد و در سال ۶۵۶ گلستان را تألیف کرد. تمام آثار او در کتابی به نام کلیات جمع آوری شده است.

درس اول

تشبیه

تشبیه چهار رکن دارد :

- (۱) مشبه (رکن اول) : چیزی یا کسی است که هدف ما مانند کردن آن است .
 - (۲) مشبه به (رکن دوم) : کسی یا چیزی که مشبه رابه آن مانند می کنیم.
 - (۳) وجه شبه (رکن سوم): ویژگی مشترک بین مشبه و مشبه است .
 - (۴) ادات تشبیه (رکن چهارم): واژه ای که بین مشبه و مشبه به را پیوند می دهد. بعضی از این واژه ها عبارتند از: مانند، مثل، همچون، چون، مثل اینکه، به سان و...
- نکته: در شعر جایابی ارکان تشبیه وجود دارد.

مانند:

عمر آدمی چون بادمی گذرد: (عمر آدمی: مشبه)، (چون: ادات تشبیه)، (باد: مشبه به)، (می گذرد: وجه شبه)

نکته : گاهی اوقات یکی از ارکان در جمله های تشبیه حذف می شود.

جان بخشی

دادن یکی از صفات جاندار (آدمی) به غیر جاندار دادن راجان بخشی یا تشخیص گویند. پس: نسبت دادن عمل، حالت یا صفتی انسانی به یک غیر انسان، که به آن جلوه ای انسانی می بخشد جان بخشی است.

مانند:

طعنه بر طوفان مزین، ایراد بر دریانگیر: (طعنه از صفات انسانی است که به طوفان داده اند و طوفان تشخیص است)، (ایراد گرفتن از حالات و صفات انسانی است که به دریاداده شده و دریا تشخیص است)

پس: (طوفان، دریا): تشخیص هستند.

نمونه سؤال

■ (۱) در نمونه های زیر ارکان تشبیه را مشخص کرده و بنویسید.

(۱) ای زلف توهر خمی کمندی چشمت به کرشمه چشم بندی

(۲) دانا چو طبله عطار است خاموش و هنرنمای.

(۳) ایام گل چو عمر به رفتن شتاب کرد.

(۴) دستان مادر مانند گل نرم و لطیف است.

(۵) دندانهای پیامبر (ص) چون مروارید می درخشد.

(۶) ماه چون چراغی از سقف آسمان آویزان است.

■ (۲) در جمله های زیر جانبخشی (تشخیص) را بیابید.

(۱) برگهای سبز درختان در روزش نسیم به رقص درمی آیند.

(۲) شکوفه های بهاری به روی رهگذران لبخند می زنند.

(۳) ابرها از شدت غصه در حال اشک ریختن هستند.

(۴) روز جمعه از دیدن غروب پاییز افسرده و غمگین است.

درس دوم

امام محمد غزالی: ابو حامد محمد بن محمد غزالی از دانشمندان دوره سلجوقی است. برخی لقب غزالی را به مناسبت پیشه‌او یعنی بافنده می‌دانند. از آثار او «کیمیای سعادت، نصیحه الملوک و احیاء العلوم الدین» است.

وابسته های گروه اسمی ۱

صفت های اشاره، شمارشی، پرسشی، تعجبی، مبهم این مفاهیم اگر قبل از اسم (هسته) بیان شوند وابسته های پیشین گفته می‌شوند.

صفت چیست: کلمه ای است که حالت و چگونگی اسمی را از قبیل رنگ، شکل، اندازه، مزه و جنس نسبت داده و بیان می‌کند مانند: مرد کوچک، درخت تنومند و...
صفت انواعی دارد که اگر قبل اسم بیایند وابسته پیشین و اگر بعد از اسم بیایند وابسته پسین هستند.

(۱) صفت اشاره ← این، آن، همین و همان

(۲) صفت شمارشی از یک تا بی نهایت است و جزء وابسته های پیشین است.

(۳) صفت پرسشی: چه، کدام، کدامین، چندی و... وقتی قبل از اسم بیایند و معنی پرسش را برسانند، پرسشی است.

(۴) صفت تعجبی: واژه های عجب و چه وقتی قبل از اسم بیایند وابسته پیشین هستند.

(۵) صفت مبهم: هر، هیچ، فلان، همه، چند و... اگر قبل از اسم بیایند صفت مبهم اند.

(۶) صفت بیانی: معمولاً نزدیکترین عنصر به هسته است. صفت بیانی چون بعد از اسم می‌آید وابسته پسین است.

نکته: یک کسره باعث پیوند اسم و صفت می‌شود که این کسره به اسم اضافه می‌شود و صفت بلافاصله بعد از اسم می‌آید.
مانند:

چشمِ سیاه، انسانِ دانا: (چشم و انسان هر دو اسم هستند)، (سیاه و دانا هر دو صفت هستند که بعد از کسره آمده اند و وابسته پسین شده اند)

نمونه سؤال

■ (۱) در عبارات زیر وابسته ها را پیدا کنید سپس هسته و نوع وابسته را مشخص نمایید.

(۱) این آثار گرانبها، بسیار ارزشمند هستند.

(۲) در این سفر، ستارگان را در کویر چون چراغی روشن می بینم .

(۳) آن گلدان ها متعلق به کیست.

(۴) همین غرور است که بشر را به ورطه نابودی می کشاند.

(۵) سومین مدال به کشتی گیران ایران تعلق گرفت.

(۶) ما پنج نفر به سفر مکه اعزام شدیم.

(۷) چهار کتاب را به کتابخانه هدیه کردم.

(۸) در کدام کشور اقامت می کنید؟

(۹) چند روز تا افتتاح نمایشگاه بین المللی کتاب باقی است؟

(۱۰) چه گلی را برای شب تولد دوستان انتخاب کرده اید؟

(۱۱) خدایان چه افسرها که رفته!

(۱۲) باز حمت و پول، عجب بلایی بر خود خریدم!

(۱۳) همه هنرهای پسندیده را داشت.

(۱۴) هیچ کس نمی دانست او چه روزهای سختی را پشت سر گذاشته است.

(۱۵) در آن چند روز کسی نمی دانست او به کجا سفر کرده است.

(۱۶) هر دانش آموز زرنگ، کتاب داستانی را می خواند.

(۱۷) چوپان توانگری در روستا زندگی می کرد.

(۱۸) دانشجوی کوشا درسش را می خواند.

(۱۹) آواز شدت گرسنگی، سریع غذای گرم را چشید.

درس سوم

پروین اعتصامی: اودرسال ۱۲۸۵ در شهر تبریز بدنیا آمد. سروده هایش در زمینه اجتماعی، اخلاقی و انتقادی است و حالتی اندرزگونه دارد. آرامگاه وی در شهر قم در کنار صحن حضرت معصومه (س) است.

پرسش انکاری

اگر جمله پرسشی با فعل مثبت برای انکار موضوعی بیاید پرسش انکاری است. مانند:

همچون نی زهری و تریاقی که دید؟ (یعنی هیچ کس زهر و پاد زهری مانند نی ندیده است) فعل دید بصورت مثبت آمده ولی جواب منفی است و پرسش انکاری است.

پرسش تأکیدی

اگر جمله پرسشی با فعل منفی برای تأکید موضوعی بیاید، گوینده از شنونده انتظار پاسخ ندارد. پاسخ نزد گوینده و شنونده آشکار است و گوینده می خواهد با تأکید مطلبی را به خواننده برساند.

مانند:

مگر نگفتم درست را بخوان: (یعنی حتماً درس را بخوان)، فعل جمله نگفتم بصورت منفی بکار رفته است اما جواب فعل جمله مثبت است و پرسش تأکیدی است.

نکته: بعضی اوقات برای نکوهش، سرزنش و شماتت هم به کار می رود.

نگفته بودی که مهمان داریم: همراه با نکوهش و سرزنش است که چرا از قبل نگفته بود که مهمان دارند.

نمونه سؤال

■ در نمونه های زیر پرسش انکاری و پرسش تأکیدی را مشخص کنید و بنویسید.

(۱) نگفتم این کار را نکن؟

(۲) چه کسی به تو گفت این کار را انجام بدهی؟

۳) شب تاریک و بیم موج و گردابی چنین هایل
کجا دانند حال ما سبکباران ساحل
ها

۴) پیاده ندیدی که جنگ آورد
سرِشَرکشان زیر سنگ آورد ؟

درس چهارم

مولانا جلال الدین بلخی: از شاعران قرن هفتم است. کتاب معروف وی «مثنوی معنوی» با ۲۶۰۰ بیت می باشد. آرامگاه وی در «قونیه» در کشور ترکیه واقع است.

صفت برتر و برترین

هرگاه بخواهیم دو چیز را با هم بسنجیم و یکی را بر دیگری برتری دهیم از «صفت برتر یا تفضیلی» بهره می گیریم.

مانند:

شهر شیراز با صفات از شهرهای دیگر است: (با صفات صفت تفضیلی است و شهر شیراز را از شهرهای دیگر برتری داده است)

در صفت «عالی یا برترین» یک چیز یا چیزهای دیگر (یک نمونه با انواع خود) سنجیده می شود.

مانند:

قاره آسیا پهناترین قاره ها است: (پهناترین صفت عالی است و قاره آسیا که جزء یکی از پنج قاره جهان است آن را بر سایر قاره های دیگر برتری داده است) صفت تفضیلی پسوند ← تر
صفت عالی پسوند ← ترین

نمونه سؤال

■ در عبارات زیر صفت هارا بیابید و نوع صفت را مشخص کنید.

(۱) گل مریم خوشبو تر از گل بنفشه است.

(۲) با صرف وقت بیشتر می توان موفق شد.

(۳) همیشه افراد کوشاتر از دیگران گامی جلوتر هستند.

(۴) گل سرخ زیباترین گلها است.

(۵) از بهترین هنرها، هنر سخن گفتن است.

(۶) روزنامه وقایع اتفاقیه یکی از بزرگترین روزنامه های زمان خود بود.

درس پنجم: (درس آزاد به عهده دانش آموز)

درس ششم

خواجه نصرالدین طوسی: یکی از فقهای مذهبی تشیع است که هلاکورابه ایجاد رصد خانه مراغه تشویق کرد. مشهورترین تألیف او کتاب «در اخلاق ناصری» است.

عنصرالمعالی: از دانشمندان قرن پنجم و ازامرای آل زیار است. اوبه فارسی و طبری شعر می سرود.

گروه فعلی ۱

فعل های مضارع :

- ۱) مضارع اخباری (زمان حال اخباری): علامت فعل (می) است.
 - ۲) مضارع التزامی (زمان حال التزامی): علامت فعل (ب) است.
 - ۳) مضارع مستمر (زمان حال مستمر یا جاری): علامت فعلش فعل کمکی (دار) است.
- مضارع اخباری:** برانجام گرفتن کاری و بیان خبری در زمان حال دلالت دارد.
- ساخت مضارع اخباری : می + بن مضارع + شناسه
- مانند:

می + نویس + م = می نویسم	می + نویس + یم = می نویسیم
می + نویس + ی = می نویسی	می + نویس + ید = می نویسید
می + نویس + د = می نویسد	می + نویس + ند = می نویسند

مضارع التزامی: وقوع کاری را در زمان حال با تردید و شک و شرط و آرزو بیان می کند.

ساخت مضارع التزامی: ب + بن مضارع + شناسه

ب + نویس + م = بنویسم	ب + نویس + یم = بنویسیم
ب + نویس + ی = بنویسی	ب + نویس + ید = بنویسید
ب + نویس + د = بنویسد	ب + نویس + ند = بنویسند

مضارع مستمر (جاری): جریان انجام کاری را در زمان حال بیان می کند.

ساخت مضارع مستمر: دار + شناسه + نشانه (می) + بن مضارع + شناسه

دار+م+می+نویس+م = دارم می نویسم

دار+ی+می+نویس+ی = داری می نویسی

دار+د+می+نویس+د = دارد می نویسد

دار+یم+می+نویس+یم = داریم می نویسیم

دار+ید+می+نویس+ید = دارید می نویسید

دار+ند+می+نویس+ند = دارند می نویسند

نمونه سؤال

■ به سؤالات زیر پاسخ دهید.

(۱) افعال «کاشتن، بردن، پریدن، ساختن» ابتدای مضارع را بدست بیاورید سپس در زمان مضارع

«اخباری، التزامی و مستمر» صرف کنید.

(۲) انواع مضارع را در افعال زیر مشخص کرده و بنویسید.

«دارند می روند، می شکنیم، بشتابید، می تابد، داردمی خورد، بشناسند»

(۳) در جمله های زیر نوع مضارع را مشخص کنید.

(۱) مریم گفت: هواپیما دارد پرواز می کند.

(۲) رستم و اسفندیار در نبرد بایکدیگر نیزه ها می شکستند.

(۳) عمر چون باد، سوار بر ساعت زمان می دوید.

درس هفتم

خرمشاهی: در شهر قزوین استاد دانشگاه است. تألیفاتی در قرآن پژوهی و حافظ شناسی و تفسیر اشعار او دارد. در تدوین دانشنامه تشیع همکاری می کند.

حافظ: معروف به لسان الغیب است. بزرگترین غزل سرای ایران و در قرن هشتم می زیسته است. چون قرآن را از برداشته «حافظ» تلخیص گرفته. آرامگاه او در شهر شیراز می باشد ، که به حافظیه معروف است.

تخلص

معمولاً شاعران در پایان شعر، نام شعری خود را می آورند که به آن تخلص می گویند. شاعران امروز کمتر تخلص کار می کنند.

نمونه سؤال

■ تخلص را در ابیات زیر بیابید.

- | | |
|---|--|
| (۱) به هرجشن نو، فرخی مادح تو | کند بر تو و شاه، مدحت سرایی |
| (۲) تو مپندا که سعدی ز کمندت بگریزد | چون بدانست که در بند تو، خوش تر زرهایی |
| (۳) تا نگردد جذبه توفیق، صائب دستگیر | از گل تعمیر پای کشیدن مشکل است |
| (۴) عشقت رسد به فریادار خود به سان حافظ | قرآن ز بر خوانی در چارده روایت |
| (۵) این سخن پروین نه از روی هواست | هر کجا نوراست زانوار خداست |

درس هشتم

فردوسی: اودرروستای باژواقع درشهرتوس بدنیاآمد.وی مردی شیعه مذهب بود.فردوسی سی سال برای سرودن شاهنامه رنج کشید.اودرسال (۴۱۱ ه.ق) درتوس درگذشت وهمان جابه خاک سپرده شد.وی درپاس داشت زبان فارسی نقش برجسته ای دارد.

تضاد

هرگاه دویا چند کلمه ازنظرمعنایی درتضاد باشندبه آنها متضاد می گویند.
تضاد یک عنصر معنایی است ورابطه این دوکلمه ازاین دیدرابطه معنوی خوانده می شود.
این دو کلمه برای زیبایی و روشنگری درشعرو نثر به کار می روند.

نمونه سؤال

■ تضادراذرعبارات وابیات زیرپیداکنید

- (۱) امروزبه غم فزون ترم ازدی وامسال به نقد کمترم ازپار
- (۲) گرشوم ازمهروزکین سردباش چون مه وخورشید جوانمردباش
- (۳) شادی نداردآن که ندارد به دل غمی آنراکه نیست عالم غم، نیست عالمی
- (۴) سخن درمیان دو دشمن چنان گوی که اگر دوست گردند، شرم زده نباشی.
- (۵) امروزهمه روی جهان، زیرپرماست.

درس نهم

ابوریحان بیرونی: محمد بن احمد اوایل عمرش را در دربار خوارزمشاهیان بود. مدتی بعد نزد قابوس بن وشمگیر به سربرد. وی کتاب «آثار الباقیه» را به نام آن پادشاه تألیف کرد. از دیگر آثار او کتاب «تحقیق مال الهند والتفهیم» را می توان نام برد که اثر مهم او «التفهیم» نام دارد.

گروه فعلی ۲

فعل های ماضی:

فعل هایی که به زمان گذشته دلالت می کنند ماضی می گویند. فعل های ماضی اقسامی دارد که در این درس و در سهای آینده به آنها پرداخته می شود.

(۱) ماضی ساده (گذشته ساده یا مطلق)

(۲) ماضی نقلی (گذشته نقلی)

ماضی ساده (مطلق): فعلی است که در گذشته انجام شده است.

ساخت فعل ماضی ساده = بن ماضی + شناسه ها

خورد + م = خوردم خورد + یم = خوردیم

خورد + ی = خوردی خورد + ید = خوردید

خورد + بدون شناسه = خورد خورد + ند = خوردند

ماضی نقلی: فعلی که در گذشته انجام گرفته و اثر آن تاکنون باقی است.

ساخت فعل ماضی نقلی ← بن ماضی + ه + ام، ای، است، ایم، اید، اند

خورد + ه + ام = خورده ام خورد + ه + ایم = خورده ایم

خورد + ه + ای = خورده ای خورد + ه + ید = خورده اید

خورد + ه + است = خورده است خورد + ه + اند = خورده اند

نمونه سؤال:

(۱) مصدرهای «بردن، شنیدن، سوختن» را در دوم شخص جمع در ماضی ساده و ماضی نقلی بنویسید؟

(۲) بن مضارع و بن ماضی فعل «دانستن» را بدست بیاورید و آن را در ماضی نقلی صرف کنید؟

۳) در متن زیر نوع و شخص فعل را بنویسید.

«ادیبان و هنرمندان افراد کوشایی بودند. میراث فرهنگی آن اجتماع را غنی تر ساخته اند و آن را از نسل به نسل دیگر رسانده اند.»

درس دهم

آرش کمانگیر: از پهلوانان پیشدادی و از سپاه منوچهر می باشد. وی در کمان داری شهرت دارد. آرش، پهلوان ایرانی از قلعه دماوند تیری پرتاب کرد که از بام دادتانیم روز گرفت و کنار رود جیحون فرود آمد و مرز ایران را تعیین کرد.

تلمیح

شاعر یانویسنده در اثر خود به مفهوم حدیث، آیه، داستان یا واقعه تاریخی اشاره می کند. تلمیح به معنی «با گوشه چشم اشاره کردن» است. در واقع تلمیح موضوع را مستقیم بیان نمی کند بلکه غیر مستقیم به حدیث، آیه، داستان یا واقعه تاریخی معروف و مشهوری اشاره می کند. مانند:

همچو یوسف بگذر از زندان و چاه تاشوی در مصر عزت پادشاه
تلمیح به داستان حضرت یوسف (ع) که در مصر به عزت رسید و پادشاه شد. (در تلمیح یک کلمه می تواند نقش کلیدی داشته باشد مثل کلمه یوسف که باندکی فکر و تأمل می شود فهمید که به داستان حضرت یوسف (ع) اشاره می کند.)

نمونه سؤال

■ تلمیح را در نمونه های زیر بیابید.

- (۱) یوسف صدیق در خشکسالی مصر، سیر نخوردی تا گرسنگان فراموش نکند.
- (۲) زحسرت لب شیرین هنوز می بینم که لاله می دمد از خون دیده فرهاد
- (۳) ز گهواره تا گور دانش بجوی.
- (۴) به تولاى تودر آتش محنت چو خلیل گویا در چمن لاله وریحان بودم
- (۵) جانم ملول گشت ز فرعون و ظلم او آن نورروی موسی عمرانم آرزوست.

درس یازدهم

عطارنیشابوری: شاعر قرن ششم و آغاز قرن هفتم هجری است. اوبه طبابت و دارو فروشی اشتغال داشت. آثار عطار عبارتند از: تذکره الاولیا به نثر، منطق الطیر، الهی نامه وصیت نامه را به نظم می توان نام برد.

گروه فعلی ۳

فعل های ماضی

(۱) ماضی استمراری (گذشته استمراری)

(۲) ماضی مستمر (گذشته مستمر)

ماضی استمراری: به فعلی که در گذشته به تکرار و استمرار انجام می شده است. علامت ماضی استمراری «می» است.

ساخت فعل ماضی استمراری: می + بن ماضی + شناسه

می + گفت + م = می گفتم

می + گفت + ی = می گفتی

می + گفت + ند = می گفتند

ماضی مستمر: فعلی که به جریان انجام عملی در گذشته به همراه کاری دیگری در حال اتفاق افتادن بوده است، دلالت دارد. علامت ماضی مستمر فعل کمکی «داشت» است.

ساخت فعل ماضی مستمر: داشت + شناسه + می + بن ماضی + شناسه

داشت + م + می + گفت + م = داشتم می گفتم

داشت + ی + می + گفت + ی = داشتی می گفتی

داشت + بدون شناسه + می + گفت + بدون شناسه = داشت می گفت

داشت + یم + می + گفت + یم = داشتیم می گفتیم

داشت + ید + می + گفت + ید = داشتید می گفتید

داشت + ند + می + گفت + ند = داشتند می گفتند

نمونه سؤال

- (۱) بن ماضی، مصدرهای «ریختن، دوختن، گشتن» را بنویسید؟
- (۲) مصدرهای «ریختن، دوختن، گشتن» را در ماضی مستمر در سوم شخص مفرد صرف کنید؟
- (۳) مصدرهای «خواندن، شنیدن» را در ماضی مستمر و ماضی استمراری صرف کنید؟

درس دوازدهم

پیام پیامبر(ص): مجموعه هایی از سخنان پیامبر(ص) و برگرفته از منابع معتبر حدیث است که به کوشش بهاءالدین خرمشاهی و مسعود انصاری در ده فصل تدوین و ترجمه شده است.

گروه فعلی ۴

فعل های ماضی

(۱) ماضی بعید (گذشته بعید)

(۲) ماضی التزامی (گذشته التزامی)

ماضی بعید: به فعلی که در گذشته دورانجام گرفته است ماضی بعید گویند. علامت ماضی بعید فعل کمکی «بود» است.

ساخت فعل ماضی بعید: بن ماضی + ه + فعل (بود) + شناسه

رسید + ه + بود + م = رسیده بودم

رسید + ه + بود + یم = رسیده بودیم

رسید + ه + بود + ی = رسیده بودی

رسید + ه + بود + ید = رسیده بودید

رسید + ه + بود + بدون شناسه = رسیده بود

رسید + ه + بود + ند = رسیده بودند

ماضی التزامی: به فعلی که در زمان گذشته باشک و تردید یا آرزو انجام شده باشد فعل ماضی التزامی می گویند. علامت ماضی التزامی فعل کمکی «باش» است.

ساخت فعل ماضی التزامی: بن ماضی + ه + فعل (باش) + شناسه

رسید + ه + باش + م = رسیده باشم

رسید + ه + باش + یم = رسیده باشیم

رسید + ه + باش + ی = رسیده باشی

رسید + ه + باش + ید = رسیده باشید

رسید + ه + باش + د = رسیده باشد

رسید + ه + باش + ند = رسیده باشند

نمونه سؤال

۱) مصدرهای «رفتن، دوختن، نشستن» را در ماضی بعید و ماضی التزامی صرف کنید.

۲) نوع ماضی و شخص را در فعل های زیر مشخص کنید و بنویسید.

(۱) گفته بودیم: (۳) رفته بود:

(۲) شنیده باشند: (۴) خورده باشی:

■ ۳) در متن زیر نوع فعل ماضی را مشخص کنید.

«حکایت کرده اند که به دلیل بیماری مسری اش از مدرسه اخراج شده بود. من شخصاً که به بیمار بودن او حساس شده بودم به دنبال کارهای درمانی اش رفتم. اما به یاد داشته باشید که هرگز کمک به دیگران را فراموش نکنید.»

درس سیزدهم

قیصر امین پور: از شاعران دوره انقلاب اسلامی است. مجموعه شعرهای او عبارتند از: «به قول پرستو، در کوچه آفتاب، تنفس صبح، و آینه های ناگهان» است. او در سال ۱۳۸۶ درگذشت.

ردیف

به کلماتی که در آخر مصراع عیناً تکرار شود ردیف می گویند. این کلمات شکل یکسان و معنی یکسانی دارند و بعد از قافیه تکرار می شود

مانند:

تن آد می شریف است به جان آدمیت نه همین لباس زیباست نشان آدمیت

(آدمیت، آدمیت): ردیف

نکته: گاهی اوقات ردیف به شکل عبارت می آید.

مانند:

احوال گل، ز خار بپرس وز من بپرس نالیدن از هزار بپرس وز من بپرس

(بپرس وز من بپرس (مصراع اول))، (بپرس وز من بپرس (مصراع دوم)): ردیف

نمونه سؤال

■ (۱) در ابیات زیر ردیف هارا مشخص کنید.

- | | |
|--|-----------------------------------|
| (۱) من به هر جمعیتی نالان شدم | جفت بد حالان و خوش حالان شدم |
| (۲) چو بخشایش پاک یزدان بود | دم آتش و آب یکسان بود |
| (۳) بلبل از گل بگذر چون در چمن بیندمرا | بت پرستی کی کند گل بر همن بیندمرا |
| (۴) بزرگی سراسر به گفتار نیست | دو صد چو گفته چو نیم کردار نیست |

درس چهاردهم

محمد باقر مجلسی: معروف ترین دانشمند دوره صفوی است. تعداد تألیفات او بیش از شصت جلد است که معروفترین آنها «بحار الانوار» است.

قید

کلمه یا ترکیب هایی هستند که مفهوم حالت، زمان، مکان، تردید، یقین، تکرار و... را به جمله اضافه می کند. قید از ارکان اصلی جمله نیست و حذف آن در جمله هیچ آسیبی به معنای جمله وارد نمی کند. قیدها جای ثابتی در جمله ها ندارند. جمله هائی که قیدهای گوناگون داشته باشند. در این درس قیدها عبارتند از: قید حالت، قید زمان، قید مکان، قید تردید، قید یقین و قید تکرار. مانند:

(۱) **قید حالت:** رضا آهسته در زیر باران قدم می زند: آهسته قید حالت است. چون نوع راه رفتن رضا را نشان می دهد.

(۲) **قید زمان:** رضا عصر شنبه به مسافرت می رود: عصر شنبه قید زمان است چون قسمتی از روز شنبه را نشان می دهد.

(۳) **قید مکان:** اوبا اتوبوس از مدرسه برگشت: مدرسه قید مکان، اتوبوس هم قید مکان است. چون مدرسه محل درس خواندن و اتوبوس محل نشستن مسافر می باشد.

(۴) **قید تردید:** مادرم شاید به منزل شما آمده است: شاید قید تردید است. ممکن است مادر به منزل شما بیاید یا نیاید، شک و احتمال را ایجاد می کند.

(۵) **قید یقین:** فردا امتحان حتماً برگزار می شود: نشان می دهد که حتماً قید یقین است و صد درصد امتحان برگزار می شود.

(۶) **قید تکرار:** پدرم باز به کارش بیشتر از خانواده اش اهمیت می دهد: باز قید تکرار است چون باز به معنی دوباره و پدر کارش را دوباره تکرار می کند.

نمونه سؤال

■ در جمله های زیر نوع قیدها را مشخص می کنید و بنویسید.

(۱) کودک هنوز بیدار نشده است.

- ۲) حسین اینجا ایستاده بود و برای ما از گذشته ها حرف می زد.
- ۳) حتماً به دیدار شما خواهیم آمد.
- ۴) یلدا امشب جشن تولدش را برگزار می کند.
- ۵) احتمالاً فردا به کتابخانه بروم .
- ۶) رضا دوباره مشق هایش را نوشت.
- ۷) شما قطعاً در کارتان به موفقیت دست خواهید یافت.
- ۸-) خواهرم گویا از کارش منصرف شده است.
- ۹) پدرم کتاب را بالای کتابخانه گذاشته است.
- ۱۰) من صبح زود برای مسافرت خود را آماده می کنم.

درس پانزدهم: (درس آزاد ، به عهده دانش آموز)

درس شانزدهم

ویکتور هوگو: مشهورترین شاعر رمانتیک قرن نوزدهم فرانسه و بزرگترین ادیب جهان است. مهمترین آثار او: بینوایان، کلیسای نتردام پاریس، کارگردان دریا و... است.

واژه سازی

(۱) ساده: کلمه هایی که از یک بخش ساخته شده اند و معنی مستقل و روشنی دارند و نمی توان آنها را به اجزای کوچکتری بخش کرد از نظر ساخت ساده هستند.

مانند: دریا، آسمان، زهر، رضا، گل، آتش و... این کلمات قابل تجزیه و تقسیم نیستند و ساده اند.

(۲) مشتق: کلمه های واژه هایی که یک جزء آنها معنی دار و یک جزء دیگر آنها بدون معنی باشد یعنی معناساز نباشند از نظر ساخت مشتق هستند. این کلمه ها یا واژه ها قابل تجزیه نیز می باشند.

مانند:

آفرینش: آفرین (جزء معنی دار یا واژه معنی مستقلی دارد) + ش (جزء بدون معنی که قابل معنی نیست)

عروسک: عروس (جزء معنی دار یا واژه معنی مستقلی دارد) + ک (جزء بدون قابل معنی)

با ادب: با (جزء بدون قابل معنی) + ادب (جزء معنی دار یا واژه معنی مستقلی دارد)

(۳) مرکب: کلمه ها یا واژه هایی هستند که از دو یا چند بخش مستقل و معنادار ساخته شده اند (یعنی دو واژه یا کلمه این ساخته معنی مستقل دارند) و از نظر ساخت مرکب هستند. این واژه ها یا کلمات قابل تجزیه و تقسیم می باشند.

مانند:

گلاب: گل + آب (دو واژه یا کلمه معنی دار که با ترکیب کردن این دو کلمه، واژه یا کلمه جدید ساخته شده است)

کتابخانه: کتاب + خانه (دو واژه یا کلمه معنی دار که با ترکیب کردن این دو کلمه، واژه یا کلمه جدید ساخته شده است)

گلبرگ: گل + برگ (دو واژه یا کلمه معنی دار که با ترکیب کردن این دو کلمه، واژه یا کلمه جدید ساخته شده است) و...

نکته: به ساده، مشتق و مرکب، ساختمان اسم گفته می شود

نمونه سؤال

- در متن زیر واژسازی ها (ساده، مرکب، مشتق) را مشخص کنید.
«همین که خواست به خانه برگردد از دور صدایی شنید. این صدا از سمت مهمانخانه که نزدیک دریا بود می آمد. سریع به آن سمت رفت. آنچه رامی دید باور نداشت. نهال به سمت دریای رفت تا از هر چه بی عدالتی است خود را رها کند...»
- ۲) اسم های ساده، مرکب، مشتق را در واژه های زیر مشخص کنید.

۷) پوشاک:

۴) گلخانه:

۱) تابستان:

۸) توس:

۵) گوسفند:

۲) تراژدی:

۶) قاسم آباد:

۳) خنده:

درس هفدهم

کتاب شازده کوچولو: نویسنده این کتاب آنتوان دو سنت اگزوپری است. او کتاب «شازده کوچولو» را زمانی که در آمریکا بود نوشت. آنتوان زمانی که به خدمت ارتش درآمد دریکی از پروازهایش گم شد و دیگر هرگز بازنگشت.

واژه شناسی

➤ واژه‌هایی که به «های بیان حرکت» یعنی این (ه) «تمام می شوند، هنگام اضافه شدن «یای» نکره به آخرین واژه‌ها یا کلمات این گونه نوشته می شود:

خانه+ی = خانه‌ای

نکته: یعنی وقتی خانه به «های بیان حرکت یعنی ه» ختم می شود بین «ه و ی» یک حرف میان جی اضافه می شود یعنی الف که تبدیل به خانه‌ای می شود.

➤ واژه‌هایی که با «واو» تمام می شوند هنگام اضافه شدن «یای» نکره به آخر آنها، این گونه نوشته می شود:

آهو+ی = آهوئی

در واقع یک «یای» دیگر به «یای» نکره اضافه می شود که به آن «یای» میان جی می گویند.

نکته: «یا» در این واژه‌ها «یای» نکره یعنی ناشناخته، اسم دارند.

نمونه سؤال

■ به کلمات زیر دقت کنید و با توجه به «های بیان حرکت» هر واژه را کامل کنید.

(۵) خوی:

(۳) بوی:

(۱) ناله:

(۶) لانه:

(۴) نامه:

(۲) سخنگوی:

فصل دوم

ساخت انواع افعال مضارع

مضارع اخباری:

علامت مضارع اخباری	بن مضارع	شناسنامه	ساخت فعل
می	رو	مَ	می روم
می	رو	ی	می روی
می	رو	دَ	می رود
می	رو	یم	می رویم
می	رو	ید	می روید
می	رو	ند	می روند

مضارع التزامی:

علامت مضارع التزامی	بن ماضی	شناسه	ساخت فعل
ب	رو	مَ	بروم
ب	رو	ی	بروی
ب	رو	دَ	برود
ب	رو	یم	برویم
ب	رو	ید	بروید
ب	رو	ند	بروند

مضارع مستمر:

فعل کمکی(دار)	شناسه	می	بن مضارع	شناسه	ساخت فعل
دار	مَ	می	رو	مَ	دارم می روم
دار	ی	می	رو	ی	داری می روی
دار	دَ	می	رو	دَ	دارد می رود
دار	یم	می	رو	یم	داریم می رویم
دار	ید	می	رو	ید	دارید می روید
دار	ند	می	رو	ند	دارند می روند

➤ ساخت انواع افعال ماضی

ماضی استمراری :

علامت ماضی استمراری	بن ماضی	شناسه	ساخت فعل
می	رفت	مَ	می رفتم
می	رفت	ی	می رفتی
می	رفت	بدون شناسه	می رفت
می	رفت	یم	می رفتیم
می	رفت	ید	می رفتید
می	رفت	ند	می رفتند

ماضی نقلی :

بن ماضی	ه	نشانه های ماضی نقلی	ساخت فعل
رفت	ه	ام	رفته ام
رفت	ه	ای	رفته ای
رفت	ه	است	رفته است
رفت	ه	ایم	رفته ایم
رفت	ه	اید	رفته اید
رفت	ه	اند	رفته اند

ماضی بعید :

بن ماضی	ه	فعل کمکی (بود)	شناسه	ساخت فعل
رفت	ه	بود	مَ	رفته بودم
رفت	ه	بود	ی	رفته بودی
رفت	ه	بود	بدون شناسه	رفته بود
رفت	ه	بود	یم	رفته بودیم
رفت	ه	بود	ید	رفته بودید
رفت	ه	بود	ند	رفته بودند

ماضی التزامی:

بن ماضی	ه	فعل کمکی (باش)	شناسه	ساخت فعل
رفت	ه	باش	مَ	رفته باشم
رفت	ه	باش	ی	رفته باشی
رفت	ه	باش	دَ	رفته باشد
رفت	ه	باش	یم	رفته باشیم
رفت	ه	باش	ید	رفته باشید
رفت	ه	باش	ند	رفته باشند

ماضی مستمر:

فعل کمکی (داشت)	شناسه	علامت(می)	بن ماضی	شناسه	ساخت فعل
داشت	مَ	می	رفت	مَ	داشتم می رفتم
داشت	ی	می	رفت	ی	داشتم می رفتی
داشت	بدون شناسه	می	رفت	بدون شناسه	داشت می رفت
داشت	یم	می	رفت	یم	داشتیم می رفتیم
داشت	ید	می	رفت	ید	داشتید می رفتید
داشت	ند	می	رفت	ند	داشتند می رفتند

فعل آینده:

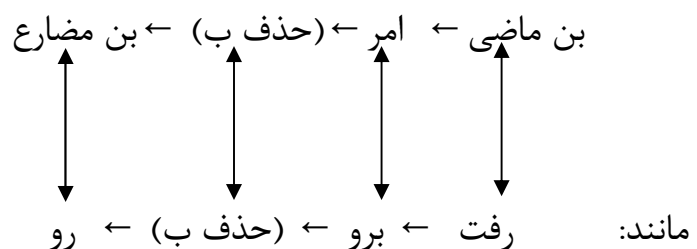
فعل کمکی (خواه)	شناسه	بن ماضی	ساخت فعل
خواه	مَ	رفت	خواهم رفت
خواه	ی	رفت	خواهی رفت
خواه	دَ	رفت	خواهد رفت
خواه	یم	رفت	خواهیم رفت
خواه	ید	رفت	خواهید رفت
خواه	ند	رفت	خواهند رفت

➤ ساخت بن مضارع:

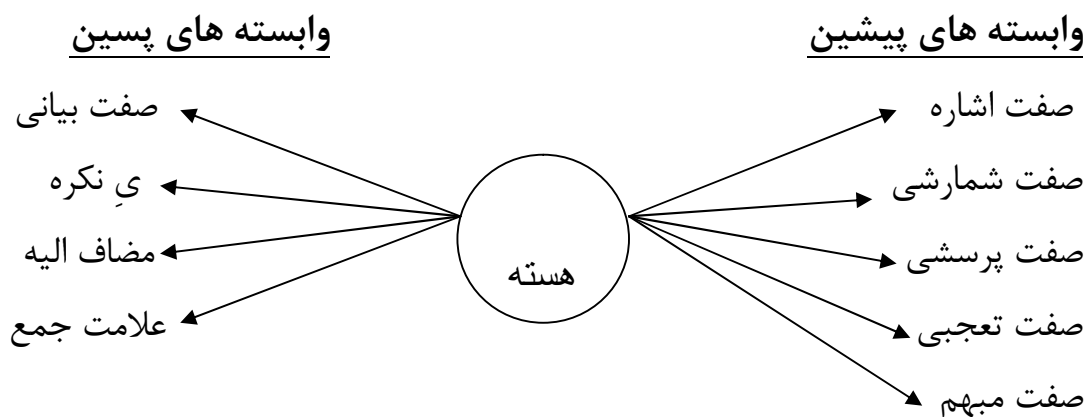
(۱) بن ماضی را به امر تبدیل کنید.

(۲) «ب» آغازین فعل امر را حذف کنید.

(۳) هر چه از فعل باقی بماند بن مضارع است.



➤ انواع وابسته های پیشین و پسین



➤ انواع قیدها

- (۱) قید حالت: حالتی از شخص یا چیزی را بیان می کند و انجام دادن یا گرفتن کار را می رساند
مانند: خندان، گریان، تند، آهسته و...
 - (۲) قید زمان: قسمتی از زمان را نشان می دهد مانند: امشب، امروز، صبح، عصر و...
 - (۳) قید مکان: مانند اینجا، آنجا، همه جا، عقب، بالا، پایین و...
 - (۴) قید تردید: شک و دودلی ایجاد می کند مانند: شاید، احتمالاً و...
 - (۵) قید یقین: قطعاً، حتماً، یقیناً و...
 - (۶) قید تکرار: یک واژه بیان می شود که معنی، چند بار یا تکرار را می رساند مانند: باز، دیگر، دوباره، دو مرتبه، مجدداً و...
- نکته: چنانچه قیدها در جمله حذف شوند به معنی جمله آسیب نرساند قسمت حذف شده قید است. قیدها قابل حذف در جمله هستند و دوباره می توان آن را در جمله سر جای خود قرار داد. پس در هر دو حالت وبه معنی جمله آسیب نمی رساند.

➤ واژه سازی

- ساده: کلماتی که به اجزای کوچکتری قابل تقسیم و تجزیه نیستند.
مانند: درس، پرستو، زمستان، دبیر، مادر و...
- مرکب: از دو واژه معنی دار ساخته شده است.
مانند: مهمانخانه: مهمان + خانه
کارساز: کار + ساز و...
- مشتق: از یک واژه معنی دار و چند واژه بدون معنی ساخته شده است.
مانند: دانش: دان + ش
مردانه: مرد + انه و...

➤ ارکان شبیه

- (۱) مشبه (رکن اول)
- (۲) مشبه به (رکن دوم)

(۳) وجه شبه (رکن سوم)

(۴) ادات تشبیه (رکن چهارم)

➤ تلمیح

اشاره غیرمستقیم به داستان، آیه، حدیث و واقعه تاریخی معروف می کند.

➤ صفت ها

صفت تفضیلی : علامتش تراست .

صفت عالی: علامتش ترین است.

نمونه سؤالات دروس

■ (۱) در عبارات زیر هسته و نوع وابسته را مشخص کنید و بنویسید.

(۱) این گل راز آن باغ چیدم.

(۲) شما چند بار سوار هواپیما شده اید؟

(۳) گفت: به به! چه قد زیبایی! چه سری! چه دمی! عجب پایی!

(۴) مهران امروز چندین کتاب خرید.

(۵) این خط زیبارا کدام شاگرد خوش ذوق نوشته است؟

(۶) کتابخانه این مدرسه چه کتابهای جالبی دارد!

(۷) این چهار بیت سروده شده است.

■ (۲) در عبارات زیر نوع زمان و فعل را مشخص کرده و شخص را بنویسید.

(۱) گویا جایی خوانده ام این کتاب تألیف شده او است.

(۲) سالها بود که ایشان را شادمان ندیده بودند.

(۳) پدرم سالها رنج کشید تا ما زندگی راحتی داشته باشیم.

(۴) ای کاش نسیم آمده باشد.

(۵) داشتم ناهار می خوردم که صدای در بلند شد.

(۶) فردا سفارش شمارا می رسانم .

(۷) آمده ام تا در پارک درس بخوانیم.

(۸) شاید فردا به مسافرت بروی.

(۹) سال آینده طرح نمایشگاه تغییر خواهد کرد.

■ (۳) تلمیح را در عبارات و ابیات زیر بیان کنید.

(۱) چاه از آن زمان که تو در آن گریستی جوشان است.

(۲) مرا شکرمنه و گل مریز در مجلس میان خسرو شیرین شکر کجا گنجد؟

(۳) یوسف (ع) در خشکسالی مصر سیر نخوردی تا گرسنگان فراموش نکند.

(۴) ای پریشان گوی مسکین، پرده دیگر کن پوردستان جان ز چاه نابرد در نخواهد برد.

■ (۴) نوع قیدها را در متن زیر پیدا کرده و بنویسید.

«برخی نسخه های فرسوده قطعاً بازسازی و مرمت می شوند. این مرمت در قسمت تعمیرات

موزه صورت می گیرد. شاید روز شنبه ساعت دو بعد از ظهر این کار شروع شود. این کار مجدد

سخت و طاقت فرسا است. کاراوبه آهستگی صورت می گیرد.»

■ (۵) در جمله های زیر واژه های (ساده، مرکب، مشتق) را مشخص کنید.

(۱) نام خیابان قدیم تهران لاله زار نام داشت.

(۲) سیاوش، از قهرمانان شاهنامه است.

(۳) خاربین ها به زمین چنگ زده اند.

(۴) آن پیچک آشنا چون هزارپا از دیوار خانه بالا رفته بود.

(۵) سیما از شوق، خنده بر روی لبهایش خوش کرده بود.

■ (۶) در ابیات زیر مراعات النظیر را بیابید و مشخص کنید.

(۱) شعاع آفتابم من، اگر در خانه ها گردم عقیق وز رویا قوتم، ولادت ز آب و طین دارم

(۲) آسمان گومفروش این عظمت کاندرا عشق خرمن مه به جوی، خوشه پروین به دوجو

(۳) حافظ از بادخزان در چمن دهر مرنج فکر معقول بفرما گل بی خار کجاست

(۴) گربادیه دوزخ برداز کوی تو خاک آتش همه آب زندگانی گردد

پرسش پاسخهای نمونه سؤالات

➤ درس اول

تشبیه

- (۱) (زلف: مشبه)، (کمندی: مشبه به)، (چشم: مشبه)، (چشم بندی: مشبه)،
در این بیت (ادات تشبیه و وجه شبه) حذف شده اند.
- (۲) (دشت و راغ: مشبه)، (چو: ادت تشبیه)، (دریای خون: مشبه به)، (وجه شبه حذف شده است).
- (۳) (شبی: مشبه)، (چون: ادات تشبیه)، (شبه: مشبه به)، (وجه شبه: حذف شده است)
- (۴) (دستان مادر: مشبه)، (مانند: ادات تشبیه)، (گل: مشبه به)، (نرم و لطیف: وجه شبه)
- (۵) (دندانهای پیامبر: مشبه)، (چون: ادات تشبیه)، (مروارید: مشبه به)، (می درخشید: وجه شبه)
- (۶) (ماه: مشبه)، (همچون: ادات تشبیه)، (چراغی: مشبه به)، (از سقف آسمان آویزان: وجه شبه)

جان بخشی

- (۱) برگهای سبزدرختان: تشخیص یا جان بخشی (چون رقصیدن یکی از صفات و حالات انسان است)
- (۲) شکوفه های بهاری: تشخیص یا جان بخشی (لبخند زدن یکی از صفات و حالات انسان است)
- (۳) ابرها: تشخیص یا جان بخشی (اشک ریختن و غصه خوردن یکی از صفات و حالات انسان است)
- (۴) روز جمعه: تشخیص یا جان بخشی (دیدن، افسرده و غمگین از صفات و حالات انسان است)

➤ درس دوم

وابسته های گروه اسمی (۱)

- (۱) (این: وابسته پیشین صفت اشاره)، (آثار: هسته)
- (۲) (این: وابسته پیشین صفت اشاره)، (سفر: هسته)
- (۳) (آن: وابسته پیشین صفت اشاره)، (نگین: هسته)

- (۴) (همین: وابسته پیشین صفت اشاره)، (غرور: هسته)
- (۵) (سومین: وابسته پیشین صفت شمارشی)، (مدال: هسته)
- (۶) (پنج: وابسته پیشین صفت شمارشی)، (نفر: هسته)
- (۷) (چهار: وابسته پیشین صفت شمارشی)، (کتاب: هسته)
- (۸) (کدام: وابسته پیشین صفت پرسشی)، (کشور: هسته)
- (۹) (چند: وابسته پیشین صفت پرسشی)، (روز: هسته)
- (۱۰) (چه: وابسته پیشین صفت پرسشی)، (گلی: هسته)
- (۱۱) (چه: وابسته پیشین صفت تعجبی)، (افسر: هسته)
- (۱۲) (عجب: وابسته پیشین صفت تعجبی)، (بلایی: هسته)
- (۱۳) (همه: وابسته پیشین صفت مبهم)، (هنر: هسته)
- (۱۴) (هیچ: وابسته پیشین صفت مبهم)، (کس: هسته)
- (۱۵) (چند: وابسته پیشین صفت مبهم)، (روز: هسته)
- (۱۶) (هر: وابسته پیشین صفت مبهم)، (دانش آموز: هسته)
- (۱۷) (چوپان: هسته)، (توانگری: وابسته پسین صفت بیانی)
- (۱۸) (دانشجو: هسته)، (کوشا: وابسته پسین صفت بیانی)
- (۱۹) (غذا: هسته)، (گرم: وابسته پسین صفت بیانی)

➤ درس سوم

- (۱) پرسش تأکیدی (فعل منفی اما جواب سؤال مثبت می آید یعنی گفتم)
- (۲) پرسش انکاری (فعل مثبت اما جواب سؤال منفی می آید یعنی هیچ کس)
- (۳) پرسش انکاری (فعل مثبت اما جواب سؤال منفی می آید یعنی سبکباران حال مارانمی)

داند

- (۴) پرسش تأکیدی (فعل منفی اما جواب سؤال مثبت می آید یعنی پیاده دیده است)

➤ درس چهارم

- (۱) خوشبوتر: صفت برتر یا تفضیلی
- (۴) زیباترین: صفت برترین یا عالی

- (۲) بیشتر: صفت برتر یا تفضیلی
 (۳) کوشا تر: صفت برتر یا تفضیلی
 (۵) بهترین: صفت برترین یا عالی
 (۶) بزرگترین: صفت برترین یا عالی

➤ درس ششم

(۱)

الف) «کاشتن ← بکار ← (حذف حرف پ) ← کار»

ب) «بردن ← ببر ← (حذف حرف پ) ← بر»

ج) «پریدن ← بپر ← (حذف حرف پ) ← پر»

د) «ساختن ← بساز ← (حذف حرف پ) ← ساز»

مضارع اخباری:

صرف فعل: می کارم، می کار ی، می کارد، می کاریم ، می کارید، می کارند
 صرف فعل: می برم ، می بری، می برد، می بریم ، می برید، می برند
 صرف فعل: می پریم، می پری، می پرد، می پریم، می پرید، می پرند
 صرف فعل: می سازم، می سازی، می سازد، می سازیم، می سازید، می سازند

مضارع التزامی

صرف فعل: بکارم، بکاری، بکارد، بکاریم، بکارید، بکارند
 صرف فعل: ببرم، ببری، ببرد، ببریم، ببرید، ببرند
 صرف فعل: بپریم، بپری، بپرد، بپریم، بپرید، بپرند
 صرف فعل: بسازم، بسازی، بسازد، بسازیم، بسازید، بسازند

مضارع مستمر:

صرف فعل: دارم می کارم، داری می کاری، داردمی کارد، داریم می کاریم، داریدمی کارید،
 دارندمی کارند
 صرف فعل: دارم می برم، داری می بری، داردمی برد، داریم می بریم، داریدمی برید، دارندمی
 برند

صرف فعل: دارم می پریم، داری می پری، داردمی پرد، داریم می پریم، داریدمی پرید، دارندمی
پرند

صرف فعل: دارم می سازم، داری می سازی، داردمی سازد، داریم می سازیم، داریدمی
سازید، دارندمی سازند
(۲)

(دارندمی روند: مضارع مستمر)، (می شکنیم: ماضی استمراری)، (بشتابید: مضارع التزامی)، (می
تابد: مضارع اخباری)، (داردمی خورد: مضارع مستمر)، (بشناسند: مضارع اخباری)
(۳)

(۱) می کند: مضارع ساده

(۲) می شکستند: ماضی استمراری

(۳) می دوید: مضارع اخباری

➤ درس هفتم

(۲) سعدی: تخلص

(۱) فرخی: تخلص

(۴) حافظ: تخلص

(۳) صائب: تخلص

(۵) پروین: تخلص

➤ درس هشتم

(۱) (امروز، دی)، (امسال، پارسه): تضاد	(۲) (مهر و کین): تضاد
(۳) (شادی، غم): تضاد	(۴) (دشمن، دوست): تضاد

➤ درس نهم

(۱)

ماضی ساده: بردی-شنیدی-سوختی

ماضی نقلی: برده ای- شنیده ای- سوخته ای

(۲)

بن مضارع: دانست ← بدان (حذف حرف ب) ← دان

بن ماضی: دانستن ← (حذف حرف ن) ← دانست

صرف فعل ماضی نقلی: دانسته ام، دانسته ای، دانسته است، دانسته ایم، دانسته اید، دانسته

اند

(۳) بودند: ماضی ساده، سوم شخص جمع، (ساخته اند: ماضی نقلی، سوم شخص جمع)، (رسانده

اند: ماضی نقلی، سوم شخص جمع)

➤ درس دهم

(۱) تلمیح به داستان حضرت یوسف (ع) - به قحطی و خشکسالی مصر اشاره می کند.

(۲) تلمیح به داستان شیرین و فرهاد - که از دوری شیرین خون گریه می کرد.

(۳) به «أطلب العلم من المهد إلى اللحد»

(۴) تلمیح به داستان حضرت ابراهیم (ع) - اشاره به گلستان شدن آتش بر حضرت ابراهیم (ع)

(۵) تلمیح به داستان فرعون و حضرت موسی (ع) - که فرعون به مردم ظلم و ستم می کرد.

➤ درس یازدهم

(۱)

بن ماضی:

ریختن ← مصدر بدون ن ← ریخت

دوختن ← مصدر بدون ن ← دوخت

گشتن ← مصدر بدون ن ← گشت

(۲) ماضی مستمر: داشت می ریخت - داشت می دوخت - داشت می گشت

(۳)

ماضی مستمر:

خواندن: داشتم می خواندم، داشتی می خواندی، داشت می خواند، داشتیم می خواندیم، داشتید می خواندید، داشتند می خواندند

شنیدن: داشتم می شنیدم، داشتی می شنیدی، داشت می شنید، داشتیم می شنیدیم، داشتید می شنیدید، داشتند می شنیدند

ماضی استمراری

خواندن: می خواندم- می خواندی- می خواند- می خواندیم- می خواندید- می خواندند

شنیدن: می شنیدم- می شنیدی- می شنید- می شنیدیم- می شنیدید- می شنیدند

➤ درس دوازدهم

(۱)

ماضی بعید

رفت: رفته بودم- رفته بودی- رفته بود- رفته بودیم- رفته بودید- رفته بودند

دوخت: دوخته بودم- دوخته بودی- دوخته بود- دوخته بودیم- دوخته بودید- دوخته بودند

نشست: نشسته بودم- نشسته بودی- نشسته بود- نشسته بودیم- نشسته بودید- نشسته بودند

بودند

ماضی التزامی

رفت: رفته باشم- رفته باشی- رفته باشد- رفته باشیم- رفته باشید- رفته باشند

دوخت: دوخته باشم- دوخته باشی- دوخته باشد- دوخته باشیم- دوخته باشید- دوخته باشند

باشند

نشست: نشسته باشم- نشسته باشی- نشسته باشد- نشسته باشیم- نشسته باشید- نشسته باشند

باشند

(۲)

(۱) گفته بودیم: ماضی بعید، اول شخص جمع

(۲) شنیده باشند: ماضی التزامی، سوم شخص جمع

(۳) (رفته بود: ماضی بعید، سوم شخص مفرد

(۴) (خورده باشی: ماضی التزامی، دوم شخص مفرد

(۳) (کرده اند: ماضی نقلی)، (شده بود: ماضی بعید)، (شده بودم: ماضی بعید)، (رفتم: ماضی ساده

یا مطلق)، (داشته باشید: ماضی التزامی)

➤ درس سیزدهم

۱- شدم، شدم ← ردیف

۲) بود، بود ← ردیف

۳- مرا، مرا ← ردیف

۴) نیست، نیست ← ردیف

➤ درس چهاردهم

۱) بیدار ← قید حالت

۲) اینجا ← قید مکان

۳) حتماً ← قید یقین

۴) امشب ← قید زمان

۵- احتمالاً: قید تردید

۶) دوباره: قید تکرار

۷) قطعاً: قید یقین

۸) گویا: قید تردید

۹) بالای کتابخانه : قید مکان

۱۰) صبح زود: قید زمان

➤ درس شانزدهم

(۱)

۱) صدایی: مشتق

۲) مهمانخانه: مرکب

۳) دریا: ساده

۴) نهال: ساده

۵) بی عدالتی: مشتق

(۲)

۱) ساده

۲) مشتق

۳) مشتق

۴) مرکب

۵) ساده

۶) مرکب

۷) مشتق

۸) ساده

➤ درس هفدهم

۱) ناله ای	۲) سخنگویی	۳) بویی
۴) نامه ای	۵) خویی	۶) لانه ای

جواب نمونه سؤالات کلی

۱) وابسته ها :

- ۱) (گل:هسته)، (این:وابسته پیشین صفت اشاره)
- ۲) (بار:هسته)، (چند:وابسته پیشین صفت پرسشی)
- ۳) (سر، دم، پا:هسته)، (چه درهر سه گروه اسمی: وابسته پیشین صفت تعجبی)
- ۴) (کتاب:هسته)، (چندین: وابسته پیشین صفت مبهم)
- ۵) (خط:هسته)، (این:وابسته پیشین صفت اشاره)، (زیبا: وابسته پسین صفت بیانی)،
(شاگرد:هسته)، (کدام: وابسته پیشین صفت پرسشی)، (خوش ذوق: وابسته پسین صفت بیانی)
- ۶) (مدرسه:هسته)، (این:وابسته پیشین صفت اشاره)، (کتاب:هسته)، (چه:وابسته پیشین صفت تعجبی)
- ۷) (بیت:هسته)، (این:وابسته پیشین صفت اشاره)، (چهار:وابسته پیشین صفت شمارشی)

۲) فعل ها:

- ۱) خوانده ام:ماضی نقلی-اول شخص مفرد
- ۲) ندیده بودند:ماضی بعید-سوم شخص جمع
- ۳) کشید:ماضی ساده-سوم شخص مفرد)، (داشته باشیم:ماضی التزامی-اول شخص جمع)
- ۴) آمده باشد: ماضی التزامی - سوم شخص مفرد
- ۵) داشتم می خوردم:ماضی مستمر- اول شخص مفرد
- ۶) می رسانم:مضارع اخباری- اول شخص مفرد
- ۷) (آمده ام: ماضی نقلی- اول شخص مفرد)، (بخوانیم: ماضی التزامی- اول شخص جمع)
- ۸) بروی: ماضی التزامی - دوم شخص مفرد
- ۹) خواهد کرد: آینده-سوم شخص مفرد

۳) تلمیح

- ۱) اشاره به امام علی (ع) که شبانه باچاه دردل می کردو می گریست.

- (۲) تلمیح به داستان شکر، خسرو شیرین دارد.
- (۳) تلمیح به داستان حضرت یوسف (ع) که در مصر قحطی و خشکسالی آمد.
- (۴) تلمیح به داستان رستم که بدست برادرناشی اش شغاد کشته شد.

(۴) قیدها

- (۱) قطعاً: قید یقین
- (۲) موزه: قید مکان
- (۳) شاید: قید تردید
- (۴) (روز شنبه: قید زمان)، (ساعت دو بعد از ظهر: قید زمان)
- (۵) مجدد: قید تکرار
- (۶) (سخت: قید حالت)، (آهستگی: قید حالت)

(۵) واژه سازی (ساده، مرکب، مشتق)

- (۱) (خیابان: ساده)، (تهران: ساده)، (لاله زار: مشتق)
- (۲) (سیاوش ساده)، (شاهنامه: مرکب)
- (۳) (خاربن: مرکب)، (زمین: ساده)
- (۴) (پیچک: مشتق)، (هزارپا: مرکب)، (آشنا: ساده)
- (۵) (سیما: ساده)، (خنده: مشتق)

(۶) مراعات النظیر

- (۱) (عقیق، زر، یاقوت) مراعات نظیر
- (۲) (آسمان، مه، خوشه پروین) مراعات نظیر
- (۳) (بادخزان، چمن، خار، گل) مراعات نظیر
- (۴) (باد، خاک، آب، آتش) مراعات نظیر

خواندن انواع لحن در ادبیات

لحن توصیفی: این لحن با آهنگی آرام و لطیف خوانده می شود. همچنین دقت در مفهوم جمله هادر نوع بیان آهنگ کلام مؤثر است. این لحن با هدف شرح و توصیف، خصوصیات و ویژگیهای پدیده هابه کار گرفته می شود.

لحن تعلیمی: با هدف اندرز و آموزش است. در این لحن خواننده با حفظ روحیه نیک اندیشی و خیرخواهی، نرمی و ملایمت در گفتار به کار گرفته می شود. حفظ آرامش و نرم گفتاری بر تأثیر کلام اندرزی می افزاید.

لحن میهنی: خواننده می کوشد با شور و حرارتی برانگیزاننده، غیرت ملی و حس همدلی را بیدار سازد و بآبهره گیری از عاطفه و حس و حال مناسب، شنونده را به احترام و دوستی میهن، فراخواند.

لحن حماسی - روایی: این لحن ترکیبی، کوبنده و استوار است و به گونه ای باید خوانده شود که روح دلاوری ها و شجاعت شخصیت های آن به خواننده انتقال یابد.

لحن عاطفی: این لحن عاطفی با احساسات، عواطف و خواست های انسان پیوند دارد. خوانش متن با این لحن، با کشش آوایی و نرمی آهنگ کلام و تکیه و درنگ های مناسب همراه است و با عواطف و احساسات لطیف بازگو می گردد.